

زلزل (زلزال)	هو تزَلَّقَ لطيف في رأى أو منطق أو في عمل أو رجل. أمّا الزلزلة: فالتضعيف فيها يدلّ على تكرر و شدّة كما و كيفا.	يعنى لغزش لطيفى است در اندیشه يا منطق يا عمل يا پا. و اما زلزله: تکرار حروف در آن، بر تکرار و شدت کمى و كيفى دلالت مى کند.
ارض	ما سفل و ما يقابل السماء.	آنچه پايين است و در مقابل آسمان است.
ثقل (اثقال)	و هو خلاف الخفة. و هذا المعنى مفهوم كلى شامل لما يثقل من جهة الوزن الظاهري، أو من جهة المعنى، و لما يثقل في نفسه عرفا، أو بالنسبة الى شخص.	این مفهوم به معنای سنگینی و در برابر سبکی است که این معنا مفهومی کلی است که هر چیزی را که از جهت وزن ظاهر یا در معنا یا در عرف یا نسبت به کسی سنگین باشد، شامل می شود.
قول(قال)	هو إبراز ما فى القلب و إنشاؤه بأى وسيلة كان.	به معنای ابراز کردن آنچه انسان در درون خود دارد به هر وسیله ممکن. این ابراز کردن می تواند با زبان، اشاره و یا هر نوع دیگری باشد.
انس(انسان)	هو القرب مع الظهور بعنوان الاستيناس، فى مقابل النفور و الوحشة و البعد.	نزدیکی و آشکاری به قصد همدمی، در مقابل نفور و تنهایی و دوری است و به آدمیان به لحاظ انس و در آمیختنشان انس و انسان گفته می شود و و از آنجایی که انس مفهوم ظهور را در خود دارد، در مقابل جن به کار می رود.
حدث (تحدث)	هو تكوّن شيء فى زمان متأخر.	به معنای به وجود آمدن چیز جدید است.
خبر(اخبار)	هو الاطلاع النافذ و العلم بالتحقيق و الاحاطة و الدقة.	آگاهی ای که با نفوذ و علم به تحقیق و احاطه و دقت همراه است. به همین دلیل علم به همه جزئیات است.
رب(رب)	سوق شيء الى جهة الكمال و رفع النقائص بالتخليّة و التحليّة .	راندن چیزی به سوی کمال و برطرف کردن نقایص آن ، به وسیله تخلیه و تحلیه است.
وحى (أوحى)	هو إلقاء أمر فى باطن غيره، سواء كان الإلقاء بالتكوين أو بإيراد فى القلب، و سواء كان الأمر علما أو إيمانا أو نورا أو وسوسة أو غيرها، و سواء كان إنسانا أو ملكا أو غيرهما، و سواء كان بواسطة أو بغير واسطة، و يفيد العلم و اليقين.	القای امری در باطن چیزی را گویند. چه اینکه به تکوین باشد و یا به وارد کردن آن در قلب. و امر القاء شده ، می تواند علم یا نور یا ایمان یا وسوسه یا ... باشد ، و کسی که به او القاء می شود ، می تواند انسان یا مَلَك یا ... باشد و « وحى » می تواند با واسطه یا بی واسطه باشد ، و موجب علم و یقین می شود.

<p>جدا شدن و پراکندگی اعضا و اجزای یک مجموعه از هم؛ مادی یا معنوی.</p>	<p>هو تفرّق مخصوص و هو تفرّق الأعضاء و الأجزاء كلّ من الآخر، في مادّيّ أو معنويّ.</p>	<p>شتت (اشتات)</p>
<p>مطلق نظر (نگریستن) است به هر وسیله که باشد؛ باچشم بینا یا با قلب بینا یا با شهود روحانی و یا با قوه خیال که به وسیله ترکیب تصورات و معانی می اندیشد. اما مفاهیم علم و ظنّ و تدبّر و ...، از آثار رویت (مطلق نظر) هستند واز موارد مختلف استعمال آن فهمیده می شوند.</p>	<p>هو النظر المطلق بأيّ وسیله کان، بالعين الباصرة، أو بقلب بصير، أو بشهود روحانی، أو بمتخیلة مفكّرة بتركيب الصور و المعانی. و أمّا مفهوم العلم أو الظنّ أو التدبّر أو التعقّل و غیرها: فإنّما هي من آثار الرؤیة (مطلق النظر)، و تستفاد منها فی مواردھا.</p>	<p>رأی</p>